

وهابیت و جنایت آنها در ایران

نوجوانی حدودا 16 ساله برای خرید و تهیه البسه سال نو از خانه خارج می شود...



نکته اول

نوجوانی حدودا 16 ساله برای خرید و تهیه البسه سال نو از خانه خارج می شود... ساعتی بعد عده ای در لباس مامور جلوی او و بسیاری دیگر را گرفته... از او می پرسند تو چه کاره ای و آن نوجوان با حالتی ترسناک می گویم من پدر ندارم. دانش آموز هستم. آن مرد به او دشنام داده و... لحظاتی بعد آن نوجوان بیگناه به همراه مجتبی 16 ساله و 21 نفر دیگر با اعلام آتش سرکرده از خدا بی خبران و با ذکر الله اکبر!!! به خاک و خون کشیده می شوند... آن نوجوان معصوم و بیگناه که بار زندگی خود و خواهر کوچکترش را بردوش می کشید با دلی آرام و پاک به سوی خدای خود رهسپار می شود. و حال تصور کن حال و هوای خواهری چشم به راه را که اینک به جای پوشیدن لباس نو باید رخت عزای برادر عزیزش را برتن کند...

نکته دوم

یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در اظهار نظری عجیب می گوید: ما در استان حتی یک وهابی نداریم!!! وی بدون اشاره به تعریف خود از وهابیت و پرداختن به برخی رخدادهای استان در این اظهار نظر سعی دارد استان را خالی از وجود هرگونه فرد تندرو و وهابی صفت جلوه دهد...

همسو با این نماینده مجلس برخی از شخصیت‌های دیگر استان که خود را همه کاره یک مذهب و قومیت در استان می دانند نیز با تکرار سخنان نماینده مجلس مدام در تریبونهای خود به این نکته اشاره می کنند که استان از وجود وهابی عاری است!!! بسیاری از سایتها و وبلاگهای معاند که همواره از گروهکهای ضد انقلاب و تروریستی حمایت کرده و می کنند نیز به عدم وجود افرادی با نام وهابی در استان تاکید داشته و وجود وهابیت در استان را توهم عنوان می کنند!!

نکته سوم

مهم نیست که کسی با نام وهابیت وجود دارد یا نه!!!! مهم آن است که امروز در استان تفکری وجود دارد که به راحتی باعث می شود نوجوان، جوان، پیر، زن و مرد بی گناه کشته شوند... تفکری که معتقد است با کشتن هر شیعه بهشت بر او واجب می شود با هر نامی چه وهابیت، چه صهیونیسم، چه کفتار و هر نام دیگر، تفکر است که به جرات می توان گفت در استان و بسیاری از نقاط داخل و خارج از کشور کم و بیش وجود داشته و صاحبان آن در حال گسترش آن هستند... بله آقای نماینده محترم مردم زاهدان، کاش این مطلب رو هم در ادامه فرمایشات گهربار خود اضافه می کردی!!! ما متعقدیم این تفکر خطرناک است و گسترش آن نیز در قالب برنامه های دینی در مدارس به اصطلاح دینی خطرناکتر از خود تفکر است.

نکته آخر

آری در 25 اسفند 84 در منطقه ی سیستان و بلوچستان واقعه ای رخ داد که شنیدن آن دل هر انسانی را به درد می آورد. تعدادی از خفاشان شب به نام دین راه را بر بندگان خدا بسته و با هدف ایجاد تفرقه و اختلاف مذهبی با جدا کردن شیعه و سنی، با ذکر مقدس الله اکبر 23 تن از شیعیان را به خاک و خون می کشند. افرادی که هیچکدامشان هیچ مسنولیت امنیتی نداشتند. تنها یک نفر از آنان نگهبان دانشگاه بود... داستان باور نکردنی بالا مربوط به نوجوانیست به نام جابر قویدل. او 16 سال داشت و بخاطر از دست دادن پدر و مادرش بار زندگی خود و خواهرش را بردوش می کشید...

جابر تو قلب مرا تسخیر کرده ای و هرگاه به یاد داستان غم انگیز تو می افتم دلم آتش می گیرد...

گوارا باد شهد شهادت بر تو و همه آنانی که به جرم مسلمان بودن و محبت اهل بیت به شهادت رسیدند